ژورنال

شماره ۶۴۵

۵ فوریه ۲۰۲۴ – ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

## در این شماره ژورنال

بوسهٔ وداع آخر با مادر

بابک یزدی

تردیدهای داخل حکومت و هشدار خامنه ای

کیوان جاوید

چه چیزی در ایران پایین خواهد آمد؟

سینا پدرام

روزنامه‌نگارانی که امید میدهند

اصغر کریمی

تجمع سراسری و بین المللی علیه اعدام در ایران

مصطفی صابر پاسخ میدهد

# بوسهٔ وداع آخر با مادر

## بابک یزدی

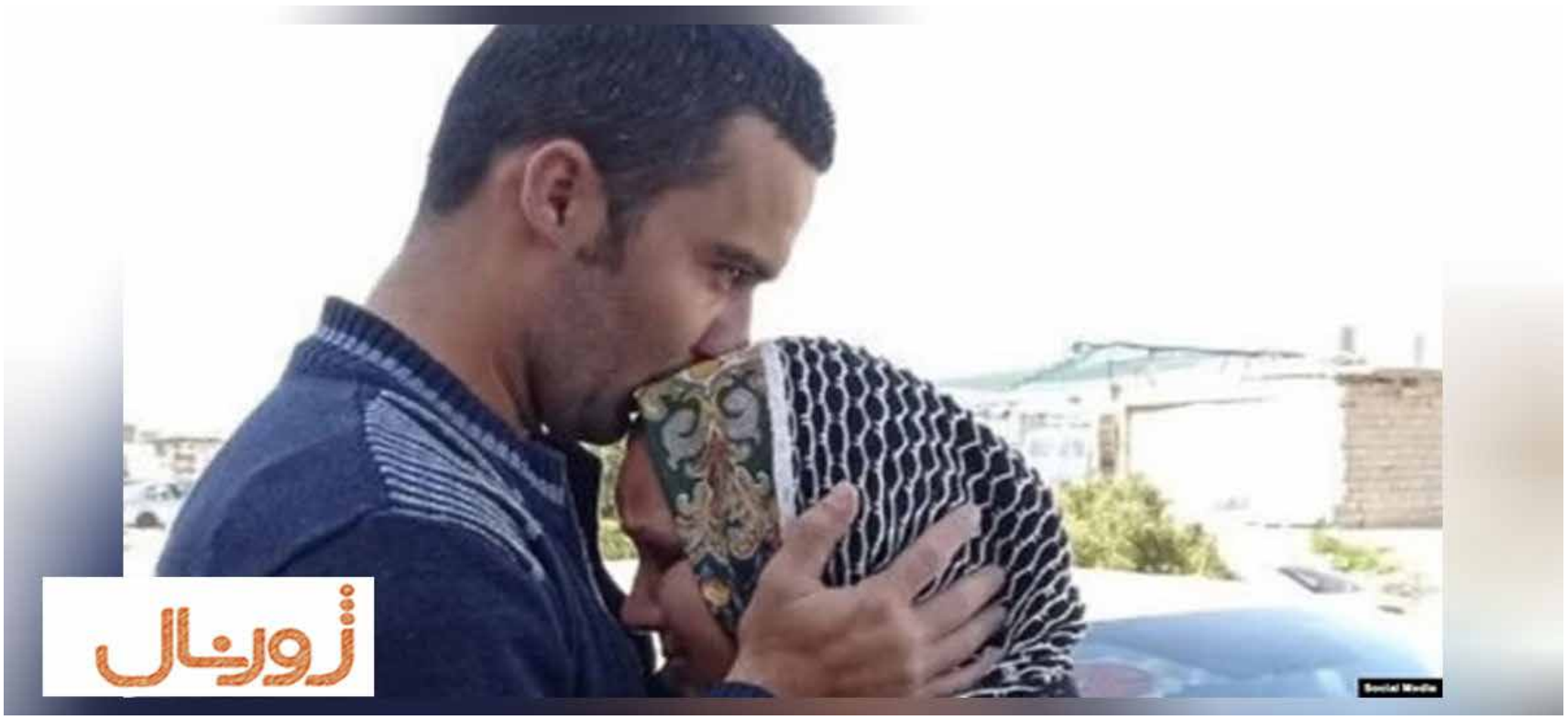


افسانه یوسفی، مادر جانباخته پژمان فاتحی، خواهان تحویل گرفتن جسد فرزندش و نام و نشان مزار او شده است. ماریا محمودی همسر محمد فرامرزی نیز در کنفرانس اتحاد برای توقف اعدام ها در ایران می گوید: ”من تا هفته قبل خواهان نجات همسرم بودم ولی در حال حاضر خواستار پیکر بی جان او یا

نشانی محل دفنش هستم.“

این سرگذشت ما مردم ایران است که مداوماً تکرار می شود. بویژه این ماشین کشتار در ۴۵ سال گذشته، چه فردی و چه جمعی بی وقفه در حال گرفتن جان عزیزان ما بوده است. انگار اسلام و حکومت اسلامی تنها نیازمند ریختن خون ما مردم است تا پابرجا بماند. وداع ها و بوسه های آخر، اعدام ها در بی خبری ،گورهای با نشان و بی نشان زنجیر به هم بافته ای است که این تاریخ را می سازد.

این دور تسلسل، این تداوم بی وقفه حاکمیت طناب های دار و این ماشین کشتار مخالفان سیاسی و غیر سیاسی، یک ضرورت و یک نیاز تعطیل ناپذیر

**دیکتاتوری های حاکم در ایران بوده و هست. این بوسه های آخر مادران با فرزندان و جستجو برای پیدا کردن گورهای بی نام و نشان عزیزان جانباخته، آن روی سکهٔ فقر و فلاکتی است که طبقه حاکم سرمایه دار به مردم تحمیل کرده است.**

**این تاریخ تکرار شونده را پایانی است. پایان دادن به سلطه یک درصدی های سرمایه دار تنها راه ممکن است که می شود با آن این کابوس همیشگی را پشت سر گذاشت به عصر انسانیت رسید.**

**جامعه دارد بی وقفه برای زندگی می جنگد. جنبش علیه اعدام در این روزها در داخل و خارج وارد مرحله ای جدید گشته، چنانکه رژیم حتی جرات**

تحویل جسد عزیزان ما را به خانواده ها هم ندارد. رژیم آگاه هست که هر جنازه ای می تواند منشاء شورش و اعتراضی دیگر باشد.

این تاریخ سراسر جنایت را باید عوض کنیم. باید بلایی بر سر رژیم آورد که جرات اعدام حتی یک نفر را هم نداشته باشد. مردم ایران این توان را دارند که دست در دست هم برای ساختن یک جامعه آزاد، برابر و انسانی بر این عصر بربریت نظام سرمایه داری اسلامی در ایران نقطه پایانی بگذارند تا هیچ مادر و پدری داغدار عزیز جان باخته اش نباشد.

دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

۵ فوریه ۲۰۲۴

# تردیدهای داخل حکومت و هشدار خامنه ای

## کیوان جاوید

خامنه‌ای روز دوشنبه ۱۶ بهمن طی یک سخنرانی برای همافران نیروی هوایی ارتش، در مورد "خواصی" که دچار "تردید، تأمل و تعلل" هستند، ابراز نگرانی کرده و گفت که "امروز جبهه دشمن برای خواص برنامهٔ خاص دارد."

ترس خامنه ای از آنچه که در ایران اتفاق می افتد چند وجهی است. وحشت اول و بزرگ خامنه ای از مردم است. مردمی که نشان داده اند سرنگونی جمهوری اسلامی مهم ترین و فوری ترین اقدام سیاسی آنها است. همین عزم عظیم و عمومی جامعه

تاثیر مهم و تعیین کننده ای نیز در صفوف حکومت اسلامی بجا می گذارد و کاری می کند که "خواص" مورد نظر خامنه ای نسبت به آینده خود و حکومت اسلامی دچار تردید شوند و ترس از سرنگونی سراپای وجودشان را فرا بگیرد.

خواص مورد نظر خامنه ای هم فهمیده اند که بگیر و ببند و کشتار و اعدام و زندان نمی تواند به تنهایی نتیجه مطلوب داده و باعث حفظ نظام شود. این بخش از حکومت که روز به روز بر دامنه ریزشش افزوده می شود و باعث می گردد "علی تنها بماند" برای فرار از سرنگونی فکر میکند باید دست به دامن آمریکا هم شد و از ادامه خصومت با آن کشور پرهیز کرد. راهی که خامنه ای میداند گام

گذاشتن در باتلاق دیگری از پروسه سرنگونی است.
"خواص" جنگ های نیابتی و ایذایی حکومت در منطقه را حلّال مشکلات عدیده سیاسی و اقتصادی و فرهنگی حکومت اسلامی نمی دانند و جناح خامنه ای در مقابل آنها، ادامه بقا را در صدور تروریسم و ناامنی منطقه و فعال نگه داشتن گروه های نیابتی می بیند.

"خواص" خشم عظیم جامعه علیه اسلام و قوانین ارتجاعی اسلامی را به چشم می بینند و فکر می کنند اگر کمی فشارهای فرهنگی کم یا حجاب ها شل تر شوند، می شود امیدی داشت که حکومت چند صباحی از تیررس مستقیم مردم در امان باشد. آرزوی عبثی که خامنه ای خوب میداند عقب نشینی

در برابر مردم نه تنها باعث مدارای مردم با حکومت نمی شود که این روند منجر به تسریع سرنگونی می شود.

راههای حفظ نظام چه از سوی باند حاکم و چه از سوی خواص مورد انتقاد خامنه ای در بن بست کامل است. این جامعه فقر زده و اسلامزده، با حکومت اسلامی عمیقا تسویه حساب کرده است. نبرد نهایی بین حکومت و مردم دارد به آخرین مراحل تعیین کننده خود نزدیک می شود. خواص و غیر خواص با هم سرنگون می شوند.

دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

۵ فوریه ۲۰۲۴

# چه چیزی در ایران پایین خواهد آمد؟

## سینا پدرام

محمدرضا فرزین، رئیس بانک مرکزی در تازه‌ترین اظهار نظر خود وعده داده که نرخ ارز به قیمت‌های سابق باز می‌گردد. روز گذشته نیز قائم مقام وزیر کشاورزی در امور تجارت و تنظیم بازار گفت: "با ورود دام تولید داخل به زنجیره مصرف امیدواریم از پایان سال جاری و به ویژه بهار سال آینده شاهد کاهش چشمگیر قیمت گوشت باشیم."

از تبلیغات انتخاباتی و "جو گیر شدن" مقامات رژیم اسلامی بگذریم، سوال ساده ای که یک جواب همیشگی و تاریخی دارد این است که آیا ارزان

**شدن قیمت کالاها در ایران تحت حکومت رژیم اسلامی ممکن است؟**

**تاریخ اقتصادی ۴ دهه گذشته جواب منفی به این سوال داده است. به عبارت بهتر اگر روزشمار اقتصادی در اختیار داشتیم و آمار و ارقام را جلو هر نیمه تحلیل گر اقتصادی قرار میدادیم پاسخش به ما صاف و ساده این بود که چهل سال آزگار چنین امری اتفاق نیافتاده است. لذا نه امسال و نه سال آینده هیچ قیمتی کاهش نخواهد یافت.**

**با هر موشک و فشفشه ای که در خاورمیانه هوا میشود، قیمت دلار بالا میرود. اسم این پدیده را متخصصان علم سیاست و اقتصاد، "بی ثباتی اقتصادی**

و سیاسی“ نامگذاری کرده اند. حال این بی ثباتی را ضربدر اشتهای سیاسی جامعه ایران برای ابطال و انقضاء عمر رژیم اسلامی که در ایران و جهان به انقلاب زن زندگی آزادی مشهور شده است کنید تا تصویر دقیقی از نقشه و سپهر سیاسی ایران و رژیم اسلامی در پیش روی هر ناظری پدیدار شود.

افت و خیز دلار دلایل اقتصادی زیادی در ایران دارد. اما یک عامل این معضل رژیم حاکم دزدسالار اسلامی است. جواب این رژیم تنها افشای ماهیت آن نیست بلکه مصاف هر روزه ای است که در کارخانه ها، بیمارستانها، مراکز صنعتی و بخصوص خیابانها در حال اتفاق است. اگر در سال آینده خبری باشد، تنها خبر افزایش دلار، قیمت مسکن و

مایحتاج عمومی و غیره نیست. بلکه دخالت جامعه و مردم در جای جای حیات سیاسی و اجتماعی ایران برای تغییر این اوضاع از پایین است. اعتماد و اعتقاد به تغییر از پایین در بین مردم تکثیر شونده است. همینطور که اعتماد رژیمها برای ادامه حکومت در حال ریزش. دو واقعه در ایران را میتوان بطور قطع پیش بینی کرد: افزایش قیمت ارز و سقوط رژیم. اولی امریست قطعی و دومی قطعی تر.

دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

۵ فوریه ۲۰۲۴

# روزنامه‌نگارانی که امید میدهند

## اصغر کریمی

نسرین حسنی مدیر مسئول هفته نامه استانی سیاحت شرق و از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی روز ۱۵ بهمن و قبل از رفتن به زندان بجنورد در یک ویدیو می‌گوید: "پای آرمان‌هایمان ایستاده‌ایم. هفت ماه زندان در برابر هزینه‌هایی که مردم در سال ۱۴۰۱ و سال‌های گذشته داده‌اند، چیزی نیست. امیدوارم که ثمره تمام خون‌ها، زندان‌ها، بازداشت‌ها و احضارها را همه ملت با هم ببینیم. نوشتن اساسا دردسرساز است اگر به سازشان قلم نچرخد... به جرم نوشتن، به اتهام تشویش اذهان عمومی با نشر اکاذیب به ۷ ماه زندان محکوم شدم، فقط و فقط یک جمله؛ پیشکش به ملت

شریف و آزادیخواه ایران". او قبلا هم احضار و بازداشت شده بود.

این روحیه مبارزه‌جویی از کجا میاید؟
جمهوری اسلامی از همان روز اول هم وصله ناجوری برای جامعه ایران بود. جامعه‌ای شهری و نسبتا مدرن، حکومتی قرون وسطایی را نمیتوانست تحمل کند. قتل عام سیاسی، سرکوب انقلاب و هشت سال جنگ، توازن قوایی ایجاد کرد که چنین حکومتی چند دهه حکومت کرد. جامعه اما نمیتوانست برای همیشه آنرا تحمل کند. مبارزه گسترش یافت. جامعه بپاخاست. بارها بپاخاست. انقلاب ۱۴۰۱ اوج گرفت و شکاف‌ها را به اوج خود رساند، شکاف میان مردمی که نمیخواهند و حکومتی که دیگر نمیتواند چنین مردمی را کنترل کند.

زمانی لنین مشخصه یک وضعیت انقلابی را چنین توصیف کرده بود: "پایینی‌ها نمی‌خواهند و بالایی‌ها نمی‌توانند به روش قدیم زندگی کنند". در چنین وضعیت‌هایی اگر مردم قادر به انقلاب نشوند یا انقلابشان شکست بخورد حکومت‌ها با سرکوب و همینطور اصلاحات و تغییراتی در شیوه حکومت میتوانند بر اوضاع مسلط شوند و برای دوره‌ای دیگر حکومت کنند. اما وضعیت در ایران عمیقتر از این حرف‌ها است. حکومت نه شیوه جدیدی دارد نه نه به شیوه قدیم میتواند جامعه را کنترل کند. شکاف میان حکومت و مردم در ایران فقط اقتصادی و سیاسی نیست. نسلی و فرهنگی است. نسل‌های قدیمی‌تر هم هر روز بیشتر دارند به شکل نسل‌های جدید درمیایند. قشرهایی که معمولا در جوامع دیگر از اقشار معترض محسوب نمیشوند هم

در ایران معترضند و با اخراج و زندان مواجه میشوند. روزنامه‌نگار، هنرمند، خواننده، وکیل، نویسنده، پزشک، استاد دانشگاه. اینها اقشار تاثیرگذاری در جامعه هستند، و حکومت آنها را هم از دست داده است.

این وضعیت هر روز جدی‌تر میشود. حکومت توان هیچ نوع اصلاحات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ندارد. برعکس در دوره حاضر بیش از هر زمان دیگری دارد در جهت معکوس اصلاحات حرکت میکند. ادامه این اوضاع برای هر ناظری قابل پیش‌بینی است. یک انقلاب عظیم درراه است.

دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

۵ فوریه ۲۰۲۴

# تجمع سراسری و بین المللی علیه اعدام در ایران

## مصطفی صابر پاسخ میدهد

**کیوان جاوید:** در ادامه کارزار جهانی نه به اعدام در ایران ما شاهد تجمعات متنوعی در کشورهای مختلف هستیم. در چه کشورهایی این اعتراضات صورت گرفته است و تا چه حد از حمایتهای مردمی برخوردار است؟

**مصطفی صابر:** در اولین فراخوان کارزار جهانی نه به اعدام در ایران ۴۱ شهر در ۱۵ کشور شرکت داشتند. در دو هفته گذشته همه آن شهرها نتوانستند تظاهرات و یا آکسیون داشته باشند. ولی خوشبختانه ائتلاف ها و حرکت های مشابه کارزار جهانی نه به اعدام شکل

گرفته و تظاهرات هایی سازمان داده اند. بطوریکه شاید بشود گفت در همین شنبه اخیر، یعنی سوم فوریه (۱۴ بهمن)، مجموع تعداد شهرهایی که در جهان علیه اعدام ها در ایران اعتراض کردند، حتی فراتر از عدد هفته اول رفته باشد. در کل باید گفت حرکت خودجوش و انفجاری علیه اعدام ها که با کارزار جهانی نه به اعدام شروع شد همچنان روبه گسترش است. اکنون وظیفه ما این است که بسهم خود بکوشیم همه این تلاش ها همسو و هماهنگ و در ادامه متحد شوند.

حمایت های مردمی هم که اشاره کردید گرچه روبه گسترش است، اما هنوز این اعتراضات عمدتا عناصر فعال را دربرمی گیرد. اینهم عرصه دیگری از کار در برابر همه ماست. باید بتوانیم اعتراض علیه اعدام در ایران را در خارج کشور هم هرچه توده ای تر کنیم.

**کیوان جاوید: تاثیر سیاسی این اعتراضات علیه حکومت اعدام را چگونه می بینید؟**

**مصطفی صابر: تاثیرات فکر کنم فوق العاده بوده است. جرقه ای که از ونکوور و تورنتو و مونترال علیه اعدام زده شد و به سرعت فعالان ایرانی شهرهای مختلف جهان را در بر گرفت، به داخل ایران هم سرایت کرد. با اعتصاب غذای زنان زندانی سیاسی و حمایت تشکل دادخواهان و فعالین کارگری و معلمان و دانشجویان ۱۷ دانشگاه یکباره به جنبشی وسیع بر علیه اعدام در داخل کشور تبدیل شد. در فاصله کوتاهی اعتصاب غذا به ایده اعتصاب عمومی علیه اعدام ارتقاء پیدا کرد و توسط گوهر عشقی فراخوان داده شد. از سوی دیگر زمزمه اعتصاب عمومی در کردستان که از سوی**

خانواده های زندانیان سیاسی تحت اعدام دنبال میشد و کارزار ما هم با آنها همراهی میکرد بالا گرفت و با ابتکار نهادهای مدنی و فعالین و خانواده ها سرانجام احزاب سیاسی مختلف فعال در کردستان هم فراخوان به اعتصاب دادند. این اعتصاب با موفقیت صورت گرفت و همه جا روحیه ها را بالا برد و صفوف را متحد تر کرد و حتی الهام بخش اعتصاب در شهر کوچکی چون سمیرم شد.

نکته مهمتر شاید این است که همه اینها بنظر میرسد تازه سرآغاز یک حرکت وسیعتر و کوبنده تر علیه اعدام ها در ایران باشد. الان زندانیان قزلحصار اعلام کرده اند هر "سه شنبه سیاه" که جمهوری اسلامی اعدام میکند دست به اعتصاب میزنند. و این مورد استقبال قرار گرفته است. اکنون به نسبت سه چهار

هفته پیش که کارزار جهانی نه به اعدام شروع شد، اوضاع فرق کرده است و صف وسیع و اجتماعی هم در داخل و هم در خارج علیه اعدام بپاخاسته و همه نشانه ها حاکی است که این صف قوی تر و تاثیر گذار تر میشود.

کیوان جاوید: این اعتراضات وسیع و سازمان یافته که طیف های گوناگونی از افراد و نهادها را با گرایشات سیاسی متفاوت در بر می گیرد چه تاثیر بر روحیه مبارزاتی در ایران دارد؟

مصطفی صابر: راستش سوال را میشود از آنطرف هم طرح کرد. برای مثال میشود پرسید اعلام اعتصاب غذای زنان زندانی سیاسی در ایران چه تاثیری بر روحیه مبارزاتی فعالین در خارج کشور داشته است؟

میخواهم بگویم در این جنبش وسیع علیه اعدام که چون آتش سر کشی سر بلند کرده است بر وشنی میتوان دید که حوزه خارج و حوزه داخل جامعه ایران بر هم تاثیر متقابل دارند. چه بسی فراخوان کارزار جهانی نه به اعدام به همه احزاب سیاسی ایران بویژه کردستان برای تدارک به اعتصاب مورد توجه فعالین داخل قرار گرفته باشد و قطعا فراخوان گوهر عشقی به اعتصاب علیه اعدام بر فعالیت های ما در خارج کشور تاثیر مثبتی داشت.

یک نکته دیگر که اشاره کردید خیلی مهم است. کارزار جهانی نه به اعدام در ایران که من فقط عضوی از آن هستم و اینجا هم به همین عنوان حرف میزنم، فعالین بسیاری با گرایشات مختلف سیاسی و ایدئولوژیکی و حزبی را در برمیگیرد. اینجا تلاش همه

مستقل از هر گونه تعلقی فقط و فقط علیه اعدام است. این نوع جدیدی از اتحاد و همبستگی است که میتواند الگویی برای عمل مشترک نیروهای سیاسی و فعالین مختلف در عرصه های دیگر هم بشود. این به نوبه خود روحیه بخش بوده است.

کیوان جاوید: در ایران چگونه می شود موانع را عقب راند و جنبش علیه اعدام را گسترش داد و به خیابان کشاند. چه قدمهایی باید برداشته شود تا این مبارزه از این که هست گسترده تر شود؟

مصطفی صابر: اگر بخواهم کوتاه بگویم، بنظرم باید گفتمان اعتصاب عمومی علیه اعدام ها را گسترش داد. باید توده های وسیع را به مبارزه علیه اعدام و متوقف کردن اعدام ها در ایران کشاند. این البته تلاش توامان

داخل و خارج کشوری را می طلبد. باید از یکسو افکار عمومی جهان علیه اعدام ها در ایران را بسیج کرد و از سوی دیگر برپایی اعتصاب های هشداری کوتاه مدت، اعتصاب های شهری و منطقه ای در اعتراض به اعدام را در ایران به یک گفتمان وسیع تبدیل کرد. باید حکومت جلاد اسلامی بفهمد که با هر اعدام جامعه یک گام به آمادگی برای برپایی اعتصاب عمومی نزدیک تر میشود. یک چنین تلاشی زمینه را مساعد می کند که حرکات ابتکاری و خودجوشی در هرجا علیه اعدام سر بلند کند.

دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲

۵ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

---

# تماس با نشریه:


واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi


---

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال